

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

شباهنگ راد

۲۴ جولای ۲۰۱۵

پیامدهای توافق هسته‌نی

ظاهراً "زورآزمایی" های قدرت مداران بین المللی پیرامون "رام" کردن رژیم جمهوری اسلامی به ثمر نشست، بنابه گفته ها و اخبار منتشره، همه، از این "نبرد" طولانی "پیروز" بدر آمدند. فارغ از هیاهوهای سیاست مداران پیرامون مذاکرات و توافقات، نخستین پرسشی که باید به بررسی آن پرداخت، آن است که توافق وین، چه پیامدهایی برای جامعه دربرندمان و همچنین برای کارگران و زحمتکشان خواهد داشت؟ آیا و خلاف پايه گوئی های سران حکومت می توان، داده و سندهای مابین بالائی ها را، در خدمت به شکوفائی اقتصاد از کار افتاده و در خدمت به بالندگی جامعه‌مان دانست؟

در نوشته [توافق نامه لوزان و نگاه ها](#)، اشاراتی داشتیم مبنی بر این که همه اینها بازی های سیاسی و بده و بستان های سرمایه داران بین المللی، و همه اینها در خدمت به اجرائی ساختن سیاست "خاورمیانه بزرگ" است؛ و عمیقاً بر این باورم که نظام هائی همچون نظام جمهوری اسلامی، نقشی اساسی در تغییر سیاست های قدرت مداران بین المللی نداشته و همواره و همواره، به عنوان مجریان و بازیگران نقشه های امپریالیستی در منطقه و در درون جامعه به حساب آمده و تابع سیاست های انتخابی بزرگان سرمایه اند؛ بر این عقیده ام که امپریالیست ها کمترین جایگاه و ارزشی برای سران رژیم هائی همچون رژیم جمهوری اسلامی قائل نیستند، هر زمان منفعت شان ایجاب کند، بساط آنان را بر خواهند چید و عناصر و رژیم دیگری را جایگزین آنها خواهند نمود. تا به حال این چنین بوده است و همچنین تردیدی در آن نیست که سران رژیم جمهوری اسلامی در این چندین دهه، خدمات بس ارزنده ای برای بزرگان سرمایه انجام داده اند و کمترین تعللی در اجرائی ساختن سیاست های امپریالیستی از خود نشان نداده اند. عملکرد تاکنونی رژیم جمهوری اسلامی در مقابل خواسته های پایه نی کارگران و زحمتکشان، مبین این ادعاست که سران حکومت، از آغاز، همان سیاستی را پیشه خود ساخته اند که قدرت مداران امپریالیستی در مقابل شان قرار داده اند. به عبارتی واضح تر، نظام جمهوری اسلامی به مانند همه نظام های وابسته، فاقد استقلال سیاسی - اقتصادی، فاقد پنانسیل و روحیه مقاومت و ایستادگی در برابر قدرت های امپریالیستی اند، به عینه دریافت شده است که سیاست های اقتصادی - سیاسی سران حکومت، در همدیفی، در همسوئی و در انطباق با سیاست های انتخابی، دولت های بزرگ جهانی ست.

این نظام زندگی مردم را به تباهی کشانده، هزاران انسان بی دفاع را مورد اذیت و آزار قرار داده است و هزاران تن دیگر را، به جرم آزادیخواهی از دم تیغ گذراند تا مبادا، روز و روزگاری خدشه ای به حاکمیت امپریالیستی وارد گردد. سران حکومت در یورش، سرکوب و در غارت بی وقفه به دسترنج های کارگران و زحمت کشان و همچنین به حراج گذاشتن و به یغما بردن نعمات و امکانات عمومی جامعه، ید طولانی دارند؛ می توان ده ها و یا حتی صدها مورد از سیاست ها و برنامه های اقتصادی جمهوری اسلامی را ردیف نمود و نشان داد، که وظیفه سران این نظام، چیزی جز،

اجرای سیاست های امپریالیستی، چیزی جز سمت و سو دادن منابع طبیعی و امکانات جامعه به جیب سرمایه داران بین المللی نیست، طبعاً صرف هزینه های کلان به منظور دستیابی به "انرژی هسته ئی" از زمره تک نمونه های آن نبوده و نمی باشد، به طور مثال راه اندازی جنگ امپریالیستی هشت ساله ایران و عراق، قطع سوبسیدها و گرانی رو به افزون مواد سوختی و اولیه زندگی، خرید سلاح های مدرن و پیشرفته به منظور سرکوب جنبش های اعتراضی، پیگیری سیاست ریاضت کشی از جمله برنامه ها و سیاست های اقتصادی - جنگی امپریالیستی بوده است که حکومت مداران ایران پیشه خود ساخته اند.

بر مبنای چنین عملکرد جنگ طلبانه و غارتگرانه ای ست که تأکید می گردد، نمی توان توافق لوزان و بعد از آن وین را، خارج از چهارچوبه کلان تر سیاسی، و خارج از بده و بستان های قدرت مداران بین المللی پیرامون سهم بری بیشتر توضیح داد. در حقیقت جنگ حقیقی - و نه ادعائی -، جنگ بزرگان امپریالیستی به منظور اداره بهتر جهان سرمایه داری، و کنار زدن جناح های رقیب از صحنه کشورهای همچون عراق، لبنان، فلسطین، سوریه، لیبیا، افغانستان، ایران و غیره است؛ جنگ ها و تضادهائی که این روزها تجلی خود را، در آوارگی و در کشت و کشتار مردم خاورمیانه به نمایش می گذارد. مروری کوتاه به ماهیت و دلایل جنگ های تکنونی و همچنین نگاهی گذرا، به برکناری دیکتاتورها و رژیم های متفاوت، نمایانگر این حقیقت است، که هدف پایه ئی و اساسی بزرگان سرمایه، خلاصی جوامع زیر سلطه، از شر دیکتاتورها و نظام های سرکوبگر نبوده و نیست. به خیال خود جنگ به راه می اندازند، به خیال خود قصد برقراری دمکراسی و رهائی توده ها را سر می دهند تا بر منابع طبیعی منطقه خاورمیانه تسلط بیشتری یابند؛ جنگ و آشوب هائی که بازندگان حقیقی آن، نه طبقه سرمایه داری، بلکه کارگران، زحمت کشان و توده های محروم اند. آری، توافق وین را هم می توان و می بایست در چنین بستری توضیح داد و از زمره فوائد دیگر آن را، به حساب کسب اعتبار بیشتر اوباما - حزب دمکرات امریکا - در انتخابات آتی و رو در رو با جناح رقیب، در مدارا و در همکاری بیش از این با دولت روسیه، در باز تعریف و تقسیم کشورهای همچون سوریه، لیبیا، یمن، سودان، ایران و غیره با دیگر شرکای سرمایه نوشت. بیهوده و بی دلیل هم نبوده و نیست که اوباما توافق وین را به عنوان "توافق قرن و تاریخی" قلمداد می کند و اعلام می نماید که: "از رئیس جمهور روسیه، از او به خاطر کمک به رسیدن به توافق با ایران قدردانی می کنم" و در ادامه می گوید "رهبران دو کشور قول دادند هماهنگی نزدیک میان دولت ها را حفظ کنند و همچنین ابراز علاقه کردند برای کاهش تنش های منطقه ئی به خصوص سوریه با هم کار کنند".

تلویحاً و از گفته های رئیس جمهور امریکا اینگونه پیداست که، یک سر اصلی این دست مذاکرات، دولت روسیه می باشد و بدون توافق و همسوئی با آن، مذاکرات لوزان و وین، فاقد "توافق تاریخی" و ثمره لازمه بود. به هر حال توافق وین، تا چه اندازه، و تا چه زمانی، بر دوام خواهد ماند، ربط و بستگی به اوضاع تضادهای درونی حاکمان امریکا، بستگی به تضاد منافع جناح های رقیب امپریالیستی و مهمتر از همه آنها، بستگی به اوضاع جنبش های اعتراضی کارگری و دیگر توده های ستم دیده خاورمیانه و همچنین بستگی به نقش آفرینی و دخالت گری های مدافعان منافع مردمی دارد. واقعیت این است که اوضاع دنیا در این چند دهه کاملاً تغییر یافته و مشاهده شده است که تضاد منافع مابین قدرت مداران بین المللی، نماد خود را، در جنگ های ملی - مذهبی و آنها در کشورهای زیر سلطه و در مبارزه با به اصطلاح دیکتاتورها و رژیم های سرکوبگری همچون عراق، افغانستان، لیبیا، یمن، سوریه و امثالهم به نمایش می گذارد. جنگ و تنش که هیچ یک از مردم منطقه خاورمیانه، در آن ذینفع نیستند و سازماندهندگان، بانیان و طرفین حقیقی آنها، دولتمردان بزرگ جهانی اند.

به عبارت دیگر، مشاهده شده است که چگونه قدرت مداران بین المللی بر اساس منفعت شان جنگ به راه می اندازند و سیاست آوارگی میلیونی توده های محروم را در پیش می گیرند تا از بحران خود بکاهند؛ مشاهده شده است که چگونه

دولت های ریز و جوامع خرد را، به جان هم می اندازند و از هم می پاشانند، تا جناح های بزرگ رقیب را، از میداین پُر سود بدر کنند و مانع اعتراضات مستقل و سازمانیافته مردمی گردند. چرا که ترس و وحشت نظام های امپریالیستی از برخاستن های عمومی و یکپارچه توده ئی ست و بی دلیل هم نیست که جوامع تحت سلطه ای همچون عراق، سوریه، لیبیا و غیره، یکی پس از دیگری، به جوامع ناامن، و به جوامع تصفیه حساب های قدرت مداران بین المللی تبدیل گردیده است. در حقیقت نیاز این دوره سرمایه، راه اندازی تنش و آشوب بیشتر و در هم ریختن آرامش نسبی جوامع زیر دست است؛ نیاز این دوره سرمایه، تغییر شکل و شمایل جوامع "آرامی" همچون عربستان، ترکیه، ایران و غیره است؛ نیاز این دوره سرمایه راه اندازی جنگ های قومی - مذهبی به منظور جلوگیری از عرض اندام سازمان های رزمنده و کمونیستی ست، خلاف یاهو گوئی های سران حکومت و منادیان سرمایه، توافقات از نوع وین، کاری به رونق اقتصادی جامعه و کاری به رفع و رجوع مشکلات عیدیه کارگران و زحمت کشان ندارد؛ قرار هم بر این نبوده و نیست که توافق وین، از میزان بیکاری ها بکاهد و قرار هم بر این نیست، تا تحولی تازه و نو، در زندگانی درمندان به وجود آورد. خام اندیشی ست که از دریچه خیراندیشی، به توافق وین بنگریم، و ساده لوحانه است، که اینگونه ببیندیشیم، توافق وین، متضمن رشد اقتصادی و تضمین کننده آزادی های سیاسی - اجتماعی درون جامعه خواهد بود؛ توافق وین، توافق امپریالیستی ست که کمترین قرابتی با خواسته های بنیادی کارگران و توده های محروم ندارد و نه تنها، از اوضاع مشقت بار کنونی نخواهد کاست، بلکه دامنه آن را گسترده تر و گسترده تر خواهد کرد.

با این تفصیل نگاه خیرخواهانه و مثبت به توافق وین، ناصحیح ست و به خطا خواهیم رفت، تا در همسوئی با سران حکومت، بر طبل "رونق" اقتصادی بعد از تحریم ها بکوبیم و افکار توده ئی را به مسیر انحرافی سوق دهیم، و به تبع از آنها و با صراحت تمام می توان اعلام نمود که نه شعار سران حکومت، مبنی بر "انرژی هسته ئی حق مسلم ماست" حقیقی و منطبق با منفعت جامعه و کارگران و زحمت کشان بوده است، نه شعار دوران مذاکره "توافق نهائی خواست مردم است"، را می بایست جدی گرفته می شد، و نه توافق وین را، می توان در خدمت به رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی دانست. خلاف اراجیف سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، لغو تحریم ها هم، کمترین کمکی به زندگی و به نیازهای پایه ئی توده های ستمدیده نخواهد کرد و پیامد آن، پیشاپش روشن است و از هم اکنون و به جرأت می توان گفت، که خیر آن به سرمایه داران، و شر آن، به میلیون ها انسان دردمند جامعه مان خواهد رسید. چرا که این توافق در پاسخگوئی به بحران سیاسی - اقتصادی قدرت مداران بزرگ جهانی، در پاسخگوئی و در پیگیری افسار گسیخته سیاست ریاضت کشی امپریالیستی ست و مسلماً این دست توافقات، نمی تواند پاسخگوی دردهای بی شمار میلیون ها انسان محروم و تهی دست جهان باشد.

در حاشیه این که، به زندگی و به میزان رو به افزون بیکاری ها و به نداری مردم جوامع به اصطلاح پیشرفته و مدرنی همچون انگلستان، امریکا، فرانسه و المان پُر از کالا و مواد اولیه، نگاهی بیندازیم تا بهتر دریابیم، که علل اصلی زندگی وخیم توده های محروم، نه در اثر تحریم کالاهای اولیه زندگی، بل به دلیل کارکرد سیستم و مناسبات ظالمانه و حاکمیت بناحق نظام های امپریالیستی ست. شوربختانه همه جای دنیا و حتی در به اصطلاح پیشرفته ترین کشورها، فقر بیداد می کند و یک وعده غذای کامل برای کودکان، به آرزو تبدیل گشته است و جوانان، در حسرت ورود به میداین آموزشی و کاری اند. وجود میلیون ها انسان گرسنه و بیکار در انگلستان، المان، فرانسه، امریکا و غیره، مبین این حقیقت است که فقر و دربدری و بیکاری و گرسنگی، جهانی شده است و عامل و مولد اصلی آنها، دولت هائی همچون امریکا، انگلیس، المان، فرانسه و دیگر نظام های وابسته بدانان می باشند. بنابراین تا زمانی که این نظام ها و دولت های وابسته بدانان بر سر کارند، چشم اندازی در بهبودی و در زندگی بهتر محرومان نیست و تنها با نابودی نظام های امپریالیستی و با سرنگونی رژیم های وابسته ای همچون رژیم جمهوری اسلامی - و آنها با تمامی اعوان و انصارش -

است که می توان، آرامش و آسایش را برای جامعه و برای میلیون ها انسان محروم به ارمغان آورد. خلاصه و بر خلاف ساده اندیشان و ناپیگیران انقلاب می توان تأکید ورزید که، توافق وین، سازش تازه، مابین قدرت مداران بین المللی به منظور تعرضی نو تر، به جان و مال میلیون ها انسان دردمند است و بدون کمترین شک و تردیدی، لغو تحریم ها هم کمترین کمکی به زندگی میلیون ها کارگر و زحمتکش نخواهد کرد و جامعه ایران هم، به مانند تمامی جوامع وابسته، همان مسیری را طی خواهد کرد که دیگر جوامع امپریالیستی و از جمله جامعه امریکا، انگلستان، المان، فرانسه و .. این روزها با آن دست به گریبان اند.

۲۲ جولای ۲۰۱۵

۳۱ تیر [سرطان] ۱۳۹۴